



مَنَادِیْ اَمَت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و هشت | مرداد ماه ۱۴۰۵

روایات مشترک فریقین؛ وعده‌ای الهی برای همه / تقابل یهودیت و صهیونیسم در
عصر معاصر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ای از پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب

امروز که ملت‌های جهان از ظلم و بیداد دولت امریکا و
صهیونیست‌های جنایتکار و نابودکننده‌ی حرث و نسل به
ستوه آمده‌اند، راهی جز جهاد و مقاومت، پیش‌رو نمانده
است

بخشی از پیام رهبر معظم انقلابیه نامه بیعت دبیرکل و رزمندگان حزب‌الله لبنان





کارشناسان هشدار می‌دهند که بسته شدن باب‌المندب، مسیر سنتی تجارت از شرق آسیا (چین، هند، ژاپن) به اروپا را قطع می‌کند و کشتی‌ها را مجبور به تغییر مسیر به‌سوی دماغه‌ی امید نیک می‌کند؛ سفری که حدود ۱۰ روز به زمان سفر می‌افزاید و هزینه‌های حمل‌ونقل را به‌شدت افزایش می‌دهد. این وضعیت که به دلیل زیاده‌خواهی امریکا و متحدانش به وجود آمده، تجارت جهانی را فلج کرده و زنجیره‌ی تأمین کالاهای اساسی را با اختلالی بی‌سابقه مواجه ساخته است.

در حقیقت، تلاقی بحران در دو گلوگاه راهبردی هرمز و باب‌المندب، معادلات تجارت جهانی را وارد مرحله‌ای تازه کرده و احتمال بروز رکود اقتصادی را به‌شدت افزایش داده است، کشورهای زیادی تاوان سکوت شان در قبال جنایات اسرائیل را می‌پردازند.

۳. ریشه‌ی بحران: بدعهدی آمریکا و زیاده‌خواهی اسرائیل

این فاجعه‌ی اقتصادی، ریشه در خودخواهی آمریکا و اسرائیل دارد. آمریکا با وجود امضای تفاهم‌نامه، نه تنها به تعهدات خود برای بازگشایی تنگه و توقف حملات پایبند نماند، بلکه محاصره‌ی دریایی را ازسرگرفت و حملات شبانه‌ی خود را به ایران ادامه داد. رهبر ایران در بیانیه‌ای، «نقض‌های مکرر» آمریکا را «افشاگر این حقیقت بنیادین» دانست که «امضای رئیس‌جمهور آمریکا کاملاً بی‌ارزش و فاقد اعتبار است» اسرائیل نیز با ادامه‌ی اشغال جنوب لبنان و نقض آشکار شرط اصلی ایران، عملاً تفاهم‌نامه را پاره کرد. حملات اسرائیل از ۲ مارس تاکنون، ۴,۳۳۰ کشته و ۱۲,۲۳۶ زخمی در لبنان برجای گذاشته و ارتش لبنان اعلام کرده است که حملات مداوم، استقرار نیروهای لبنانی در جنوب را غیرممکن ساخته است.

۴. سناریوهای پیش‌رو: ائتلاف جهانی علیه آمریکا یا جنگی فراگیر

با ادامه‌ی این وضعیت، دو سناریوی محتمل پیش روی جهان قرار دارد:

سناریوی نخست: تشکیل ائتلاف جهانی علیه آمریکا
با افزایش فشارهای اقتصادی و تداوم اختلال در زنجیره‌ی تأمین انرژی و کالا، کشورهای مصرف‌کننده بزرگ - به‌ویژه چین، هند، ژاپن و کشورهای اروپایی

پیش از درگیری‌ها، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از نفت دریایی جهان و حدود ۲۰ درصد از گاز طبیعی مایع (LNG) از تنگه‌ی هرمز عبور می‌کرد. پس از حمله‌ی آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه، تهران بستن تنگه را اعلام کرد و قیمت نفت برنت از حدود ۷۲ دلار به اوج نزدیک ۱۲۰ دلار در هر بشکه در ماه مارس رسید. با امضای تفاهم‌نامه در ۱۷ ژوئن، تردد کشتی‌ها تا ۴۰ فروند در روز بهبود یافت و قیمت نفت به سطح پیش ازجنگ بازگشت. اما این آرامش تنها سه هفته دوام آورد. از ۱۱ ژوئیه، درگیری‌ها ازسرگرفته شد و تنگه بار دیگر بسته گردید. اکنون قیمت نفت برنت به حدود ۱۰۰ دلار در هر بشکه رسیده و قیمت بنزین در آمریکا در بسیاری از نقاط از ۴ دلار در هر گالن عبور کرده است. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، عرضه‌ی جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ می‌تواند ۳.۷ میلیون بشکه در روز کاهش یابد و در سال ۲۰۲۷، این کسری به ۷.۵ میلیون بشکه در روز برسد. صندوق بین‌المللی پول (IMF) هشدار داده است که بازایی کامل جریان نفت، حتی در صورت بازگشایی تنگه، دو تا سه ماه زمان خواهد برد.

۲. محاصره‌ی باب‌المندب: فلج شدن تجارت جهانی

هم‌زمان با بسته شدن هرمز، یمن نیز در پی تجاوز عربستان محاصره‌ی دریایی عربستان را در دریای سرخ اعلام کرد. در ۲۲ ژوئیه، انصارالله اعلام کرد که دو نفتکش سعودی، «انسیلیا» و «لیلا»، را با موشک‌ها و پهپادها هدف قرار داده است. رسانه‌های سعودی تأیید کردند که نفتکش «انسیلیا» دچار آتش‌سوزی شده است. دست‌کم پنج نفتکش مسیر خود را تغییر داده و به‌سوی کانال سوئز بازگشته‌اند.



که به شدت به نفت و گاز خلیج فارس وابسته‌اند، نمی‌توانند بی تفاوت بمانند. بسته شدن دو گلوگاه راهبردی، آن‌ها را با رکود اقتصادی، تورم فزاینده و بحران انرژی مواجه ساخته. در چنین شرایطی، این کشورها - که منافع حیاتی‌شان قربانی خودخواهی آمریکا و اسرائیل شده - چاره‌ای جز اتخاذ موضعی مستقل و حتی هم‌سو با ایران برای اعمال فشار بر آمریکا ندارند.

هشدار روسیه درباره‌ی «تبعات اقتصادی بسته شدن باب‌المندب» و اعلام آمادگی چین برای احیای عملیات پالایشگاه‌های خود در بحبوحه‌ی اختلالات، نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک جبهه‌ی جهانی مخالف با سیاست‌های آمریکا است. اگر این روند ادامه یابد، جهان به تدریج در برابر قلدری آمریکا متحد خواهد شد و واشنگتن را در انزوایی بی‌سابقه قرار خواهد داد.

سناریوی دوم: جنگ گسترده‌ی منطقه‌ای و شکست آمریکا

اگر آمریکا و اسرائیل بر زیاده‌خواهی خود اصرار ورزند، منطقه به‌سوی جنگی تمام‌عیار و گسترده سوق خواهد یافت. در این صورت، نه تنها تنگه‌های هرمز و باب‌المندب برای مدتی طولانی مسدود خواهند ماند، بلکه کل زیرساخت‌های نفتی خلیج فارس در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. عراق که تولید نفت آن در برخی مقاطع از ۴.۳ میلیون بشکه در روز به زیر ۱.۵ میلیون بشکه سقوط کرده، و کویت که مجبور به اعلام «قوه‌ی قاهره» شده، نشان‌دهنده‌ی آسیب‌پذیری شدید متحدان آمریکا در منطقه است. در چنین جنگی، هزینه‌ها برای آمریکا به مراتب سنگین‌تر از ایران خواهد بود. فاصله‌ی جغرافیایی، وابستگی شدید اقتصاد جهانی به انرژی منطقه، و توانایی ایران و متحدانش در هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی در سراسر خاورمیانه (چنان‌که حملات ایران به کویت، بحرین، اردن نشان داد)، بازنده‌ی نهایی این جنگ را به وضوح آمریکا معرفی می‌کند. تحلیلگران اقتصادی نیز هشدار می‌دهند که «هرچه جنگ در سطح کنونی طولانی‌تر شود، وضعیت برای مصرف‌کنندگان بدتر خواهد شد.

بسته شدن هم‌زمان تنگه‌های هرمز و باب‌المندب، بزرگ‌ترین اختلال عرضه‌ی انرژی در تاریخ مدرن را رقم زده و اقتصاد جهانی را به لبه‌ی پرتگاه رکود کشانده است. این بحران، نتیجه‌ی مستقیم بدعهدی آمریکا و زیاده‌خواهی اسرائیل است که با نقض تفاهم‌نامه، آتش جنگی را برافروختند که دامن آن به سراسر جهان رسیده است.

جهان امروز دو راه پیش رو دارد: یا در برابر خودخواهی آمریکا متحد می‌شود و با فشار هماهنگ، واشنگتن را به عقب‌نشینی و

پایندی به تعهدات خود وادار می‌سازد، یا درگیر جنگی فراگیر می‌شود که در آن، بازنده‌ی نهایی، بدون تردید، آمریکا خواهد بود. اقتصاد جهانی، دیگر نمی‌تواند هزینه‌های سیاست‌های یک جانبه‌گرایی‌های آمریکا را تحمّل کند و زمان آن فرا رسیده است که جهان، پاسخی قاطع به این قلدری راهبردی بدهد.

امید و انتظار؛ افق روشن برای همه مسلمانان

آموزه‌ی مهدویت و انتظار فرج، از آن دسته باورهای است که مرزهای مذهبی را درمی‌نوردد و به همه‌ی مسلمانان، فارغ از گرایش فقهی و کلامی، نوید آینده‌ای روشن و عاری از ظلم و ستم می‌دهد. این باور، سرمایه‌ای عظیم برای ایجاد امید و انگیزه در دل امت اسلامی است.

در قرآن کریم، وعده‌ی حتمی خداوند چنین آمده است: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء، ۱۰۵).

در جای دیگر می‌فرماید:

«و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثین» (قصص، ۵).

این آیات، افق روشن را پیش روی مؤمنان می‌گشاید.

امید و انتظار در فرهنگ اسلامی، هرگز به معنی انفعال و دست روی دست گذاشتن نیست. انتظار، یعنی چشم به راه بودن همراه با امید و بسترسازی برای پیروزی نهایی حق بر باطل. در روان شناسی نیز انتظار، حالتی روحی است که فرد را برای آنچه در پیش رو دارد، آماده می‌سازد.

روایات مشترک فریقین؛ وعده‌ای الهی برای همه

یکی از زیباترین جلوه‌های اشتراک میان شیعه و سنی، روایات متواتری است که در منابع معتبر فریقین درباره حضرت مهدی (عج) نقل شده است. اصل مهدویت در اسلام جزو مسلمات است؛ به‌گونه‌ای که حدود شش هزار حدیث در این باره روایت شده است.



الف) حدیث عدالت گستر

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی که هم در منابع شیعه و هم در صحاح اهل سنت نقل شده، فرموده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مَنِيَّ - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمِي ، وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمَلُّ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا ، كَمَا ملَّيْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا» .

ترجمه: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی می‌گرداند تا در آن، مردی از من - یا از خاندانم - را برانگیزد که نامش با نام من و نام پدرش با نام پدر من هماهنگ باشد؛ زمین را بر از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است».

این حدیث را ابوداود در سنن خود (حدیث ۴۲۸۲) و ترمذی (حدیث ۲۲۳۱) نقل کرده اند. این روایت شریف، چشماندازی روشن از آینده‌ای عادلانه ترسیم می‌کند که در آن، ظلم و بیداد ریشه کن خواهد شد و جای خود را به قسط و عدل خواهد داد.

ب) حدیث خروج مهدی

در روایت دیگری از ابو سعید خدری که در منابع اهل سنت نقل شده، رسول خدا (ص) فرموده است:

«يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَيُعْطَى الْمَالُ صِحَاحًا» .

ترجمه: «در پایان امت من، مهدی خروج می‌کند؛ خداوند باران را

بر او فرو می‌بارد، زمین گیاهان خود را می‌رویانند و او مال را به‌وفور (و به صورت صحیح) در میان مردم تقسیم می‌کند».

این روایت را حاکم (حدیث ۸۶۷۳)، ترمذی (حدیث ۲۲۳۲) و ابن ماجه (حدیث ۴۰۸۳) نقل کرده‌اند و بر قطعیت ظهور و برکات آن تأکید دارد و امید به آینده‌ای سرشار از رحمت و برکت الهی را در دل مؤمنان زنده می‌کند.

امید؛ درمان یأس در روزگارتنه

در دوران غیبت که با فتنه‌ها و فشارهای فراوان همراه است، باور به ظهور، همچون چراغی فروزان در دل تاریکی‌ها می‌درخشد و امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. روایات متعددی بر این نکته تأکید دارند که فرج در سخت‌ترین لحظات و هنگامی که یأس و ناامیدی اوج می‌گیرد، فرا می‌رسد.

بر اساس روایات، در عصر غیبت، مؤمنان با دو چالش بزرگ روبه‌رو هستند: از یک سو، فتنه‌ها و شبهات که ایمان را هدف گرفته‌اند، و از سوی دیگر، یأس و ناامیدی که اراده را سست می‌کند. در چنین شرایطی، امید به ظهور، تنها نیرویی است که می‌تواند مؤمنان را بر این مشکلات پیروز کند.

نقش مؤمنان در عصر انتظار

الف) معرفت و شناخت

نخستین گام در مسیر انتظار، شناخت امام (ع) و آشنایی با ابعاد شخصیت و رسالت اوست. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» .

ترجمه: «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است».

این روایت که در منابع فریقین نقل شده و بر ضرورت معرفت و شناخت تأکید دارد. در صحیح مسلم (کتاب الاماره، ۳: ۱۴۷۸) نیز مضمون آن با عبارت «مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» نقل شده است .

ب) تهذیب و آمادگی

دومین وظیفه، تهذیب نفس و آمادگی برای ظهور است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«لْيُعِدَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَنَّ مِنْ أَغْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ» .

ترجمه: «هر یک از شما برای خروج قائم [ع] آماده شود، هرچند با یک تیر؛ خداوند متعال هنگامی که این را از نیت او بداند، امید

تقابل یهودیت و صهیونیسم در عصر معاصر

یکی از پیچیده‌ترین و کمتر شناخته‌شده‌ترین ابعاد مناقشه‌ی خاورمیانه، تقابل درون‌دینی خودِ جامعه‌ی یهود با ایدئولوژی صهیونیسم است. در حالی که صهیونیسم مدعی نمایندگی همه‌ی یهودیان جهان است، طیف قابل توجهی از یهودیان - از جمله گروه‌های ارتدکس متعهد - این ایدئولوژی را ناقض اصول بنیادین یهودیت می‌دانند و با آن به مبارزه برخاسته‌اند. این تقابل، در عصر معاصر، اشکال گوناگونی به خود گرفته است: از اعتراضات خیابانی و تظاهرات گسترده در نیویورک و اورشلیم، تا منازعات حقوقی و سیاسی در کنست (پارلمان اسرائیل)، و حتی گسست‌های عمیق در درون خانواده‌های یهودی در سراسر جهان.

مخالفان دینی صهیونیسم

مخالفت دینی با صهیونیسم، ریشه در تفسیری خاص از متون مقدس یهود دارد. مهم‌ترین مبنای این مخالفت، «سه سوگند» مندرج در تلمود (رساله‌ی کتوبت) است که بر اساس آن، یهودیان تا پیش از ظهور ماشیح (منجی موعود)، از سه کار منع شده‌اند: ۱. صعود دسته‌جمعی و مسلحانه به سرزمین اسرائیل؛ ۲. شورش علیه ملت‌ها؛ ۳. تعجیل در پایان دوران تبعید.



بر اساس این نگاه، صهیونیسم یک جنبش سکولار و ملی‌گرایانه است که در اواخر قرن نوزدهم توسط یهودیان غیرمتدین پدید آمد و با «تحمیل اراده‌ی بشری» بر «مشیت الهی»، در حال نقض صریح فرامین تورات است. رابی یسرائیل داوید وایس، سخنگوی جنبش ناطوری کارتا در این باره می‌گوید: «یهودیت به‌وضوح بیان می‌کند که ما از زمان تخریب معبد در ۲۰۰۰ سال پیش، به‌صراحت از ایجاد حاکمیت خود منع شده‌ایم».

دارم که عمرش را چنان دراز گرداند تا به ظهور برسد و از یاران و یاوران او گردد».

این روایت را نعمانی در کتاب «الغیبه» (ص ۳۳۵، ح ۱۰) نقل کرده است و مؤمنان را به آمادگی عملی و داشتن روحیه‌ی جهادی فرا می‌خواند.

ج صبر و استقامت

سومین وظیفه، صبر و استقامت در برابر سختی‌هاست. در روایات آمده است که «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» (صبر، کلید فرج است). مؤمنان در عصر غیبت، باید با صبر و استقامت، خود را برای ظهور آماده سازند و هرگز در برابر سختی‌ها تسلیم نشوند. رسول خدا (ص) نیز می‌فرماید: «وَاعْلَمُ أَنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيرًا، وَأَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ» (بدان که در صبر بر آنچه ناخوش می‌داری، خیر فراوان است؛ و پیروزی با صبر است؛ و فرج با گرفتاری همراه است).

هشدار در باره مدعیان دروغین

با افزایش امیدها به ظهور، همواره مدعیان دروغینی ظهور کرده‌اند که از این آرمان مقدس سوءاستفاده کرده‌اند. مؤمنان باید با بصیرت و آگاهی، این مدعیان را بشناسند و فریب آنان را نخورند. رسول خدا (ص) در این باره فرموده است:

«سَيَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ دَجَالُونَ كَذَّابُونَ يَأْتُونَكَم مِّنَ الْأَحَادِيثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ فَاِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ».

ترجمه: «در آخرالزمان، دروغ‌گویان و دجال‌صفتانی خواهند بود که برای شما احادیثی می‌آورند که نه شما و نه پدران‌تان شنیده‌اید. از آنان بر حذر باشید».

آموزه‌ی مهدویت و انتظار، در عمیق‌ترین لایه‌های خود، پیام‌آور امید و انگیزه برای همه‌ی مسلمانان است. این باور مشترک، فارغ از اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، به امت اسلامی چشم‌اندازی روشن از آینده‌ای عادلانه و سرشار از رحمت الهی ارائه می‌دهد. امید به ظهور، هرگز به معنی انفعال و دست‌روی‌دست‌گذاشتن نیست؛ بلکه منتظران حقیقی، کسانی هستند که با شناخت، تهذیب و صبر، خود را برای یاری آن حضرت آماده می‌سازند. در حقیقت، مهدویت، نه تنها پاسخی به بحران معنا در عصر غیبت است، بلکه نسخه‌ای کارآمد برای بحران امید در جهان معاصر و عاملی تعیین‌کننده در تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود.

ناطوری کارتا؛ پیشانی مبارزه با صهیونیسم

• ناطوری کارتا مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین گروه یهودی ضد صهیونیست در عصر حاضر است. این جنبش که در اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰ در اورشلیم تأسیس شد، بر این باور است که «حاکمیت یهودی تنها با آمدن ماشیح تحقق می‌یابد» و از همین رو، دولت اسرائیل را به‌عنوان یک نهاد نامشروع سیاسی به‌کلی رد می‌کند.

• فعالیت‌های این گروه در عصر معاصر، بسیار گسترده و چشمگیر بوده است:

• اعتراضات مداوم در نیویورک: اعضای ناطوری کارتا با پوشش سنتی حسیدی و در کنار پرچم‌های فلسطین، به‌طور منظم در مقابل کنسولگری اسرائیل در نیویورک تظاهرات می‌کنند و پلاکارت‌هایی با مضمون «نتانیا‌هو: تو به نام ما سخن نمی‌گویی» حمل می‌کنند.

• دیدار با رهبران ایران: این گروه، در موضعی شفاف، چندین بار با رهبران جمهوری اسلامی ایران دیدار کرده و بر مخالفت خود با صهیونیسم تأکید کرده است.

• ممنوعیت ورود به اسرائیل: به‌دلیل این فعالیت‌ها، دولت اسرائیل، رابی یسرائیل داوید وایس (سخنگوی ناطوری کارتا) را «فردی غیرقابل ورود» اعلام کرده و از ورود او به اسرائیل ممانعت به‌عمل آورده است.

• رابی وایس در یکی از سخنرانی‌های خود، صهیونیسم را «ترجمه‌ی کامل و بی‌نقص یهودستیزی» (the textbook translation of antisemitism) توصیف کرده و هشدار داده است که صهیونیسم با «پیوند زدن یهودیان جهان به جنایت‌های اسرائیل در غزه»، آنان را در سراسر جهان در معرض خطر و نفرت قرار می‌دهد.

خاخام‌های بلندپایه‌ی اسرائیل؛ مخالفانی از درون نظام

• تقابل یهودیت و صهیونیسم، تنها به گروه‌های حاشیه‌ای مانند ناطوری کارتا محدود نمی‌شود؛ بلکه برخی از بلندپایه‌ترین خاخام‌های اسرائیل نیز به‌صراحت، صهیونیسم را به‌چالش کشیده‌اند.

• رابی دوو لاندو (Rabbi Dov Landau)، از رهبران جریان «لیتوانی» در اسرائیل و رئیس یکی از قدیمی‌ترین حوزه‌های

علمیه‌ی ارتدکس، در نامه‌ای به سردبیر روزنامه‌ی «یاتد نئمان» نوشت: «صهیونیسم جنبشی است که هدف آن قراردادن قوم اسرائیل بر مبنایی کاملاً سکولار است؛ محتوای آن، کفر و طغیان علیه پادشاهی آسمان است».

• رابی یسرائیل فریدمن (سردبیر همان روزنامه) نیز در گفت‌وگویی، صهیونیسم را تلاشی برای «ایجاد یهودی جدید» دانست که با ارزش‌های جامعه‌ی فراطی در تضاد است و گفت: «صهیونیسم با جهان‌بینی ما سازگار نیست». او تأکید کرد که «قوم اسرائیل ۳۰۰۰ سال قدمت دارد، در حالی که قوم اسرائیلی (صهیونیست) فقط ۸۰ سال عمر دارد».

• رابی الیهانان بیک (Elhanan Beck)، سخنگوی ناطوری کارتا، در مصاحبه‌ای گسترده، نتانیا‌هو را به «آمالیق» تشبیه کرد؛ موجودی اسطوره‌ای در سنت یهود که نماد «شر مطلق» و «نابودگر پیوند مقدس» است. او همچنین هشدار داد که ایدئولوژی «اسرائیل بزرگ» نه تنها با تعالیم یهود در تضاد است، بلکه می‌تواند جهان را به سمت جنگی هسته‌ای سوق دهد.

بحران خدمت سربازی؛ تقابل عینی دین و دولت

• یکی از عینی‌ترین و پرتنش‌ترین مصادیق تقابل یهودیت و صهیونیسم در اسرائیل، بحران خدمت سربازی اجباری برای یهودیان فراطی (حریدی) است.

• از زمان تأسیس اسرائیل، یهودیان فراطی (حریدی‌م) از خدمت سربازی معاف بوده‌اند تا بتوانند به تحصیل علوم دینی (تورات) بپردازند. اما در سال‌های اخیر، با افزایش فشارهای سیاسی و نظامی، دولت اسرائیل تلاش کرده است تا این معافیت را لغو کند. این اقدام، با مخالفت شدید رهبران دینی حریدی مواجه شده است؛ چراکه آنان خدمت در ارتش «دولت صهیونیستی» را نقض صریح تعالیم تورات می‌دانند.

• در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵، حدود ۲۰۰,۰۰۰ یهودی حریدی در اورشلیم تظاهرات کردند و خیابان‌ها را مسدود نمودند در ژوئیه ۲۰۲۶ نیز، کنست (پارلمان اسرائیل) طرحی را تصویب کرد که به تحصیل تورات، «جایگاهی قانونی ویژه» می‌داد و عملاً فرار حریدیان از سربازی را قانونی می‌کرد؛ اقدامی که با انتقاد شدید احزاب صهیونیستی مواجه شد.

• برخی از معترضان حریدی در اعتراضات خود، شعار «صهیونیسم را متوقف کنید، یهودیان را مجبور به پیوستن به ارتش صهیونیستی نکنید» سر می‌دادند.





شیخ عزالدین قسام در سال ۱۸۸۱ میلادی مصادف با ۱۲۶۱ شمسی، در روستای (جبله) واقع در بخش لاذقیه سوریه در خانواده مذهبی متولد شد.

پدرش شیخ عبدالقادر مصطفی قسام، از کارمندان حوزه علوم شریعت اسلامی بود و مادرش حلیمه قصاب، در یک خانواده تحصیل کرده و مذهبی پرورش یافته بود. پدر قسام در مکتب‌خانه روستا به اهالی، قرآن کریم، زبان عربی، خط و ریاضیات آموزش می‌داد و با یاد دادن سرودهای دینی، روحیه جهاد و حماسه را در میان ساکنان روستا برمی‌انگیخت، وی همچنین برای مدتی بازپرس ویژه دادگاه بود.

عزالدین قسام در مکتب‌خانه روستا خواندن، نوشتن و تلاوت قرآن را آموخت و در این زمینه از تمامی هم سن و سالان خود برتر بود. قسام در ۱۴ سالگی برای کسب علوم دینی به دانشگاه الازهر مصر رفت و مدت ۸ سال در آنجا اقامت نمود و از محضر اساتید آن دانشگاه و از جمله شیخ محمد عبده استفاده نمود.

در سال ۱۹۰۶ عزالدین قسام پس از ده سال علم‌اندوزی و کسب معرفت در الازهر و اخذ دانشنامه از این دانشگاه به جبله بازگشت و سپس برای آشنا شدن با شیوه تدریس در دانشگاه‌های ترکیه، به این کشور سفر کرد.

پس از بازگشت از ترکیه مانند پدرش در مسجد سلطان بن ادهم قطب‌الدین به تدریس مشغول شد. وی به کودکان روستای جبله خواندن، نوشتن، حفظ قرآن کریم و علوم حدیث آموخت و در مسجد المنصوری واقع در مرکز این روستا، نماز جمعه به پا می‌داشت. قسام و یارانش در زمان سکونتشان در حیفه که پناهگاه کشاورزان فقیری بود که در نتیجه حمله اشغالگران، خانه‌هایشان در روستاها تخریب و موطن مهاجران یهودی شده بود برای بهبود اوضاع معیشتی کشاورزان، تلاش بسیاری می‌کردند.

یک نظرسنجی از ۸۱۵ یهودی آمریکایی نشان داد که ۶۱٪ آنان معتقدند اسرائیل در غزه مرتکب «جنایت جنگی» شده است و حدود ۴۰٪ آنان آن را «نسل‌کشی» می‌دانند؛ با این حال، حدود ۵۸٪ از آنان همچنان خود را با اسرائیل مرتبط می‌دانند. این آمار، نشان دهنده‌ی بحرانی عمیق در هویت جمعی یهودیان دیاسپورا است.

«ضد صهیونیسم ≠ یهودستیزی»: تلاش برای بازتعریف هویت

یکی از محورهای اصلی مبارزه‌ی یهودیان ضد صهیونیست، تفکیک مفهومی «ضد صهیونیسم» از «یهودستیزی» است. آنان معتقدند که صهیونیست‌ها با «معادل‌سازی نقد اسرائیل با یهودستیزی»، در واقع از خود در برابر نقد مشروع دفاع می‌کنند و «همه‌ی یهودیان را به حمایت بی‌قید و شرط از سیاست‌های اسرائیل متهم می‌سازند».

یعقوب شاپیرو رابی ارتدکس آمریکایی، به صراحت اعلام کرده است که «یهودیت یک دین است، نه یک ملیت» و صهیونیسم را «ایدئولوژی سیاسی ناسازگار با باورهای سنتی یهود» می‌داند.

رابی دیوید فلدمن از معترضان نیویورک، گفته است که «همه‌ی آنچه اسرائیل و بنیامین نتانیاهو از آن دفاع می‌کنند، در تضاد کامل با یهودیت است و منبع شرمساری واقعی برای قوم ماست».

گروه «صدای یهود برای صلح» هر سال، نسخه‌های ضد صهیونیستی از «هگادا» (کتاب سنتی پسخ) را با عناوینی چون «خروج از صهیونیسم» منتشر می‌کند تا «خود یهودیت را از چنگ صهیونیسم نجات دهند».

تقابل یهودیت و صهیونیسم در عصر معاصر، پدیده‌ای عمیق، گسترده و چندلایه است که از اعتراضات خیابانی ناطوری کارتا در نیویورک تا نامه‌های خاخام‌های بلندپایه‌ی اسرائیلی، و از بحران سربازی خریداران تا گسست خانواده‌های یهودی در دیاسپورا را در بر می‌گیرد. این تقابل، ریشه در ناسازگاری بنیادین یک ایدئولوژی سیاسی سکولار (صهیونیسم) با یک دین کهن و مشیمت‌گرا (یهودیت) دارد. صهیونیسم، به‌ویژه در خوانش راست افراطی خود، نه تنها در پی تأسیس یک دولت، که در صدد «خلق یهودی جدید» و «بازتعریف هویت یهود» بر اساس ملیت، به جای دیانت، است. در مقابل، یهودیان ارتدکس مخالف، بر «انتظار منفعلانه» و «حفظ مرزهای اعتقادی» در برابر «اقدام فعال صهیونیستی» تأکید دارند و معتقدند که «صهیونیسم، یهودیت را جعل و تحریف کرده است». این کشمکش درون‌دینی، نه تنها یکی از مهم‌ترین کلیدهای فهم مناقشه‌ی خاورمیانه است، بلکه آینده‌ی هویت جمعی یهودیان را در سراسر جهان، به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

وی با برپایی کلاس‌های شبانه به مبارزه با بی‌سوادی برخاست. اندکی نگذشت که کشاورزان ساکن منطقه شمالی و کارگران به شیخ احترام ویژه‌ای گذاردند و شیفته اخلاق و منش خداپسندانه وی شدند.

بعدها وی از سوی مجلس اعلاهی اسلامی به‌عنوان امام جماعت مسجد «استقلال» حیفا که در آن روزها از مراکز مهم فعالیت صهیونیست‌ها بود انتخاب شد و با فن سخنوری بالایی که داشت مردم را بر جهاد علیه صهیونیست‌ها دعوت می‌کرد و به‌موازات آن علیه فرقه‌های ضاله چون قادیانیه و بهائیت که آن منطقه را با پشتیبانی انگلیسی‌ها تبدیل به منطقه نفوذ خود نموده بودند مبارزه می‌کرد.

قسام علاوه بر مسئولیت امام جماعت مسجد استقلال به‌عنوان «مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق»، منسوب گردید.

قسام بعدها به ریاست «جمعیت جوانان مسلمان» که در سال ۱۹۲۷ تأسیس شده بود رسید.

فعالیت سیاسی و اجتماعی

محل کار و تدریس وی همواره پناه و ملجأ جنبش ملی فلسطین بود. بعدها، وی از سوی مجلس اعلاهی اسلامی به‌عنوان امام مسجد «استقلال» حیفا و «مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق»، منسوب گردید.

وظایف و اموری که در حیفا به عهده قسام گذارده شد این فرصت را به وی داد که هرچه بیشتر با توده مردم به‌ویژه گروه‌های متعهد و روشنفکر، تماس نزدیک برقرار کند. در آن زمان حیفا از مراکز مهم فعالیت صهیونیست‌ها محسوب می‌شد. قسام بعدها به ریاست «جمعیت جوانان مسلمان» که به سال ۱۹۲۷ تشکیل گردیده بود، رسید.

وی از این طریق توانست با مردم ارتباط بیشتری برقرار کند و آنچه را که انتظار داشت، به دست آورد و آن تشکیل گروهی بود که «هسته انقلاب» علیه استعمار و صهیونیسم شد. وی پس از چند سال سکونت در حیفا به آرویش رسید و یک گروه زیرزمینی تشکیل داد. دو اصل این گروه آن بود که هر عضو باید خودش اسلحه‌اش را تأمین کند و دیگر این که در حد مقدور باید به گروه کمک مالی نماید.

بارقه‌های مبارزه با استعمار

عزالدین قسام در کنار فراگیری علم، به جنبش‌های آزادی خواه نیز توجه خاصی داشت و به دلیل احاطه بر علوم اسلامی و دیدگاه‌های استقلال طلبانه و ضد استعماری خود وجهه و اعتبار والائی نزد مردم سوریه، مصر، لبنان و فلسطین یافت و از قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای نزد مردم خاورمیانه برخوردار شد.

به همین دلیل فرانسه و انگلستان که قدرت‌های استعماری آن روز بوده و کشورهای خاورمیانه را طی پیمانی میان خود تقسیم کرده

بودند، به او به عنوان دشمن خود می‌نگریستند.

قسام در مصر با استعمار انگلیس و سلطه آن بر ملت و ذخایر ملی این کشور آشنا شد و در همان وقت در اندیشه ضرورت مبارزه با نیروهای استعمارگر بود.

سازماندهی تشکیلات قسامیون

وظایف و اموری که در حیفا به عهده قسام بود این فرصت را به وی داد که هر چه بیشتر با توده مردم به ویژه گروه‌های متعهد و روشنفکر، ارتباط برقرار کند و در سال ۱۹۲۵ میلادی، به هدفش که تشکیل یک گروه زیرزمینی یا همان گروه «هسته انقلاب» با انگیزه مبارزه علیه استعمار و صهیونیسم بود رسید.

او در حالی که به شغل وکالت در حیفا مشغول بود، به روستاهای فلسطین سر می‌زد و در تماس‌های خود با کشاورزان در روستاها و نمازگزاران توانست شماری از نیروها و عناصر انقلابی را جذب کند و در هسته‌های مخفی سازمان دهد.

قسام تمام فعالیت خویش را که همان مبارزه علیه تشکیل دولت یهود بود، در پنهانی کامل انجام می‌داد و فقط اشخاصی که سال‌ها مورد آزمایش وی قرار گرفته و سلامت و رازنگهداری خود را اثبات نموده بودند، از فعالیت و تشکیلات او آگاهی داشتند.

طرفداران قسام بیشتر از طبقه کارگران، کشاورزان و فروشنده‌گانی بودند که در جلسات درس وی نیز حاضر می‌شدند و قسام آنان را به ضرورت جهاد و آماده شدن برای نبرد مسلحانه به هنگام قیام مردمی، آشنا می‌نمود.

افراد نامزد عضویت برای مدتی تحت کنترل و آموزش قرار می‌گرفتند. هر شخصی که قصد ورود به تشکیلات قسامیون را داشت با ادای سوگند با خدا پیمان می‌بست تا ضمن تعهد به راستگویی و درستکاری، تمامی احکام اسلام را رعایت کرده و پاسدار ایدئولوژی اسلامی باشد.

پس از پذیرش عضویت افراد در تشکیلات، علاوه بر آموزشهای نظامی به آموزشهای مذهبی نیز اهمیت داده می‌شد. هر یک از اعضا مکلف بود در حد توان، تعدادی از آیات و احادیث جهاد در راه خدا را حفظ نماید. اعضا همچنین درسهایی در مورد جنگهای صدر اسلام می‌آموختند.

او از افراد خود گروه‌های کوچکی متشکل از یک مسئول و ۵ نفر عضو، به وجود آورد. اعضای هر یک از این گروه‌ها تنها همدیگر و قسام را می‌شناختند و هیچ‌گونه آگاهی از اعضای گروه‌های دیگر نداشتند. در کنار این گروه‌ها وی به تشکیل کادرهای رهبری، عمدتاً از افراد سرشناس سازمان، اقدام نمود. از جمله کادر آموزش نظامی،

کادر جمع‌آوری پول و امکانات، کادر روابط مردمی و سیاسی، کادر تهیه اسلحه و کادر کسب اطلاع از وضعیت انگلیس و صهیونیسم. از مهمترین کادرهایی که قسام تشکیل داد، کادر تبلیغات انقلاب بود. وظیفه این گروه، توجیه مردم به عدم همکاری و اعتماد به انگلیس بود و توصیه به این که تنها راه رسیدن به اهداف، جهاد در راه خداست، و بی‌توجهی به دسیسه‌های صهیونیسم و انگلیس که سعی در برهم زدن یکپارچگی مردم داشتند.

تمام اعضای تشکیلات زیرزمینی قسام، نزد مردم ناشناخته بودند و فقط پس از شهادت قسام، نام بعضی از این اعضا دانسته شد. قسام در سال ۱۹۲۸ میلادی، ۱۲ گروه جهادی را مرکب از (العبد قاسم، محمد زعروره، محمود صال محمد و خلیل محمد عیسی) مشهور به ابوابراهیم الکبیر را پایه‌ریزی نمود.

عملیات مبارزان قسام

گردان‌های شهید عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی حماس که به یمن نام مبارک شیخ قسام و پابندی به اصولی که تا رسیدن به لحظه پرافتخار شهادت بدان پایبند بود، این نام را برای خود برگزید و مقاومت را تنها راه آزادی سرزمین فلسطین اشغالی از یوغ دشمنان صهیونیست می‌داند.

عملیات مبارزان قسامی تنها به حمله به شهرک‌های اشغالی صهیونیست‌ها خلاصه نمی‌شد و شامل تعقیب و شکنجه کسانی می‌شد که با رژیم صهیونیستی همکاری کرده و برای سازمان اطلاعات انگلیس جاسوسی و یا به فروش اراضی به یهودیان و دلالتی برای آنان می‌کردند.

مبارزه با گشتی‌های ارتش و پلیس، بستن راه‌ها و حمله به قرارگاه‌های ارتش و مراکز پلیس، حمله به نگهبانان شهرک‌های یهودی نشین و بمب‌گذاری، از دیگر اقدامات مبارزان قسامی شمار می‌آمد. عملیات‌های قسام بسان روحی تازه در کالبد فلسطینیان دمیده شد و آنان را به تکاپو واداشت، دولت انگلیس اعلام کرد که هر کس درباره مجریان این عملیات اطلاعاتی ارائه دهد، پاداش خوبی دریافت خواهد کرد. این عملیات در واقع در دل و جان یهودیان رعب و وحشت افکنده بود. یهودیان نخستین باری بود که می‌دیدند علیه آنان عملیات‌های نظامی صورت می‌گیرد.

دولت انگلیسی و یهود از ترس این عملیات‌ها جاسوس‌های خود را در مناطق مختلف مستقر کردند و با کمترین شک نسبت به کسی، او را بازداشت می‌کردند.

بدین ترتیب تحرکات و فعالیت‌های گروه قسام با مشکلات متعددی مواجه گردید. پلیس انگلیس توانست درباره نیرو و

تجهیزات نظامی و مکان عملیات این گروه اطلاعاتی جمع‌آوری کند. اولین عملیات، در سال ۱۹۳۱ میلادی، علیه آبادی صهیونیست‌نشین (الیاچور) در نزدیکی حیفا به وقوع پیوست که طی آن سه صهیونیست به هلاکت رسیدند. این عملیات علیه مستعمره‌های صهیونیست نشین همواره استمرار داشت.

حوادث سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ که طی آن، روند مهاجرت صهیونیست‌ها به اسرائیل، گرایش صهیونیست‌ها به تشکیل گروه‌های تروریستی با کمک اسرائیل و نیز توسعه زمین‌های اسرائیلی شتابی فزاینده و قابل توجه یافت؛ قسام را وادار نمود که پیش از فراهم آمدن امکانات و نیرو، عملیات نظامی را آغاز کند.

مهاجرت سیل‌آسای یهودیان با انجام اعمال تروریستی گروه‌های یهودی علیه سکنه مسلمان و عرب فلسطین صورت می‌گرفت. هدف صهیونیست‌ها فراری دادن اعراب فلسطینی و جایگزین ساختن یهودیان تازه وارد بوده است.

با صدور فرمان قسام، زنجیره‌ای از عملیات نظامی علیه مناطق صهیونیست نشین و گشتی‌های ارتش بریتانیا و پلیس به وقوع پیوست. این عملیات به صورت تک‌های چریکی و غافلگیرانه و به شکل جنگ و گریز، انجام می‌شد.

این اقدامات انقلابی منجر به وارد شدن خسارات زیادی به زمین‌های کشاورزی و دارایی‌های صهیونیست‌ها و کشته شدن چند تن از نیروهای انگلیسی و صهیونیست گردید.

عملیات مسلحانه و ترور دشمنان، روز به روز افزایش می‌یافت، اما طولی نکشید که قسام و هم‌زمان وی تصمیم گرفتند که حرکت خود را آشکار کنند که در ۱۹۳۵ به شکل مبارزه مسلحانه و خونین علیه استعمارگران انگلیس و تروریست‌های یهودی درآمد.

قیام علیه استعمار فرانسه

عزالدین قسام هم‌زمان با شکل‌گیری قیام اسلامی شیعیان عراق علیه قوای استعمارگر انگستان در ۱۹۱۹، نهضتی را در شمال سوریه همراه با شیخ صالح‌علی از علمای مبارز سوریه، علیه قوای استعمارگر فرانسه به‌راه‌انداخت.

در این قیام یک ساله که عزالدین و مرحوم عمر بیطار از طلایه داران جهاد مسلحانه رهبری می‌کردند، تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای اشغالگر فرانسوی وارد آوردند.

فرانسوی‌ها تلاش کردند تا با دادن پیشنهادهایی فریبنده نظیر دادن پست و مقام‌های عالی، شیخ را از ادامه مبارزه بازدارند، اما او به تمامی این پیشنهادهای پاسخ رد داد.

اصرار قسام بر مقاومت دادگاه نظامی فرانسه در لاذقیه را بر آن

داشت تا حکم اعدام وی و شماری از یارانش را صادر کند. سپس شیخ به منظور رها شدن از تعقیب فرانسوی ها به دمشق و از آنجا به فلسطین رفت.

ارتباط با مردم

شیخ عزالدین قسام فردی جذاب، خوش برخورد و سخنوری توانا بود. وی از ۱۹۲۹ که به عنوان مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق تعیین گردید و به روستاها هم سر می کشید و در مجالس ازدواج شرکت می کرد. از این طریق بود که علاوه بر ارتباط با مردم، از اوضاع و اخبار جامعه نیز باخبر می شد.

از دوستان وی نقل شده است که او با روشنفکران و طرفداران روش های مسالمت آمیز در مبارزه، به بحث می پرداخت. در مسجد سخنرانی می کرد و با دقت نمازگزاران را زیر نظر داشت و هر کس را برای مبارزه آماده و مهیا می دید، جذب می کرد و وی را به مبارزه برای رهایی فلسطین، دعوت می نمود.

قسام تمام فعالیت خویش را که همان مبارزه علیه تشکیل دولت ملی یهود بود، در پنهانی کامل انجام می داد و فقط اشخاصی که سال ها مورد آزمایش وی قرار گرفته و سلامت و راز نگهداری خود را اثبات نموده بودند، از فعالیت و تشکیلات او آگاهی داشتند.

وی مردم را در دعوت به بیداری و آگاهی علیه نقشه های شوم استعمار و صهیونیسم، به اتحاد و یکپارچگی فرامی خواند و با دمیدن روح جهاد در آنان، همگی را به پیروزی از تجربیات گذشتگان ترغیب می کرد.

طرفداران قسام

طرفداران قسام بیشتر از طبقه کارگران، کشاورزان و فروشندگانی بودند که در جلسات درس وی نیز حاضر می شدند و قسام آنان را به ضرورت جهاد و آماده شدن برای نبرد مسلحانه به هنگام قیاس مردمی، آشنا می نمود.

با گذشت زمان، هسته انقلاب، با سرعت زیاد گرداگرد قسام شکل گرفت. وی نیز با توانایی شگفت انگیز، افراد جدید را در تشکیلات خویش رهبری می کرد. او از افراد خود گروه های کوچکی متشکل از یک مسئول و ۵ نفر عضو، به وجود آورد.

اعضای هر یک از این گروه ها تنها همدیگر و رهبر (قسام) را می شناختند و هیچ گونه آگاهی بر اعضای گروه ها نداشتند. وی به تشکیل کادرهای رهبری، عمدتاً از افراد سرشناس سازمان، اقدام نمود. از جمله، کادر آموزش نظامی، کادر جمع آوری پول و امکانات، کادر روابط مردمی و سیاسی، کادر تهیه اسلحه و کادر کسب اطلاع از وضعیت انگلیس و صهیونیسم.

تشکیلات مسلحانه

قسام در تعدادی از روستاهای استان شمالی، تشکیلات مسلحانه زیرزمینی، سازمان داده بود. وظیفه این گروه درگیری با نیروهای انگلیس و کمک به مجاهدین به هنگام درگیری ایشان با صهیونیست ها و انگلیسی ها بود. بعدها که فعالیت سازمان زیرزمینی قسام علنی شد، تعداد زیادی از همین جوانان وطن پرست، به آن ملحق شدند.

قسام مراحل انقلاب را به شرح زیر برنامه ریزی کرده بود: اعتماد به نفس و ترویج روحیه قیام مسلحانه؛ تشکیل گروه های زیرزمینی، تشکیل کمیته های رهبری برای جمع آوری کمک جهت تهیه اسلحه، انقلاب مسلحانه.

شروع عملیات نظامی

قسام در طول انجام این برنامه، همراه با دیگر همکارانش، تلاش می کردند تا نفرات بیشتری را جذب کنند و آموزش دهند تا پس از تکمیل نفرات لازم و فرا رسیدن وقت مناسب، انقلاب سراسری فلسطین آغاز شود.

ولی حوادث ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ وی را واداشت تا پیش از فراهم آوردن امکانات و نفرات، عملیات نظامی را آغاز کند. عوامل مهم این تغییر برنامه عبارت بود از:

هجرت وحشت آور صهیونیست ها به فلسطین؛

گرایش صهیونیست ها به تشکیل گروه های تروریست با کمک انگلیس؛ توسعه زمین های صهیونیست ها و فعالیت شدید زمینداران، خائنان و جاسوسان به نفع دشمن؛

وقتی که قسام فرمان عملیات مسلحانه علیه دشمن را صادر کرد، هیچ یک از مردم و یا انگلیسی ها و صهیونیست ها چیزی از سازمان وی نمی دانستند. زیرا او در حیفاً به انجام کارهای روزانه مشغول بود و همه وی را می دیدند. سازمان انقلابی قسام تنها ۲۰۰ رزمنده و ۸۰۰ نفر هوادار داشت.

با صدور فرمان قسام، زنجیره ای از عملیات نظامی علیه مناطق صهیونیست نشین و گشتی های ارتش بریتانیا و پلیس به وقوع پیوست. این عملیات به صورت تک های چریکی و غافلگیرانه و به شکل جنگ و گریز، انجام می شد. این اقدامات انقلابی منجر به وارد شدن خسارات زیادی به زمین های کشاورزی و دارایی های صهیونیست ها و کشته شدن چند تن از نیروهای انگلیسی و صهیونیست گردید.

عملیات مسلحانه و ترور دشمنان، روز به روز افزایش می یافت، اما طولی نکشید که قسام و همزمان وی تصمیم گرفتند که حرکت

برای شرکت در مراسم تشییع جنازه قسام، تعداد زیادی از رهبران و بزرگان فلسطین راهی حيفا شدند و این شهر مملو از جمعیتی بود که از سراسر فلسطین آمده بودند.

منادیان تفرقه

ناصر القفاری؛ تفرقه افکنی در لباس استاد دانشگاه

ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، نویسنده‌ای وهابی از عربستان سعودی است که با تکیه بر جایگاه دانشگاهی‌اش - استاد و رئیس بخش عقیده و مذاهب معاصر در دانشگاه قصیم و عضو شورای علمی آن - به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های جریان تکفیری افراطی در نقد مذاهب اسلامی تبدیل شده است. آنچه او را از یک پژوهشگر علمی متمایز می‌سازد، روش غیرعلمی و متعصبانه‌ی او در نقد سایر مذاهب اسلامی است که نه تنها به شکاف مذهبی دامن می‌زند، بلکه خود اهل سنت را نیز درگیر اختلافات عمیقی می‌سازد.



نگاهی به سیره و آثار القفاری

القفاری مدرک دکترای خود را در رشته‌ی «عقیده و مذاهب معاصر» از دانشگاه امام محمد بن سعود اسلامی دریافت کرده است. رساله‌ی دکترای او، که بعدها با عنوان «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثنية عشرية - عرض و نقد» در سه جلد منتشر شد، با درجه‌ی عالی مورد تأیید قرار گرفته و به دانشگاه‌ها برای چاپ و تبادل توصیه شده است. افزون بر فعالیت‌های دانشگاهی، او ریاست «کمیته‌ی حمایت از خانواده» در شهر بریده را نیز بر عهده دارد و در بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی و دوره‌های علمی داخل و خارج از عربستان شرکت داشته است. او با چهره‌های شاخص جریان تکفیری مانند سلمان العودة نیز در تحقیق و مطالعه همکاری داشته است. القفاری نویسنده‌ای پرکار است و بیش از ۱۵ کتاب به نام او ثبت شده است. مهم‌ترین آثار او که در نقد مذاهب اسلامی نوشته شده‌اند، عبارت‌اند از:

خود را آشکار کنند. هدف آنان از این تصمیم، بیان اهداف الهی خود، بالا بردن روحیه سلحشوری در مردم و خنثی کردن تبلیغات دشمن بود که سعی در مخدوش نمودن اهداف و ماهیت گروه قسام داشت و شایع کرده بود که هدف مهاجمان، غارت اموال و سلب آسایش مردم است.

آشکار شدن نهضت

بالاخره، افزایش تعداد مهاجران یهودی به فلسطین و مسلح شدن صهیونیست‌ها در ۱۹۳۵ وضع را به حدی بحرانی کرده بود که دیگر مخفی نگه داشتن نهضت، جایز نبود. لذا قرار شد که عملیات از مناطق کوهستانی شمال فلسطین، آغاز گردد. نیروهای انگلیسی در پی آگاهی از امکان آغاز عملیات از منطقه یعبد در حيفا به جستجوی وسیعی برای دستگیری قسام، که نمی‌دانستند آیا در حيفا به سر می‌برد یا در یعبد، دست زدند. آن‌ها پس از ناکامی در قدم اول، در حالی که هواپیماهای شناسایی مشغول گشت بر فراز یورش بودند، به یعبد، محل استقرار نیروهای قسام یورش بردند. پس از ۵ رزو درگیری، هنگامی که نیروهای اشغالگر از حضور شخص قسام بین مجاهدان اطمینان یافتند، حمله سختی بر گروه قسام وارد کردند که با رشادت و پایداری نیروهای انقلابی با شکست مواجه شد. پس از این شکست، انگلیس با فرستادن تعدادی از افراد پلیس عرب و دوستان قسام، سعی در به تسلیم کشاندن وی را داشت ولی قسام و هم‌زمان او، با رد تسلیم و سازش، مبارزه تا نیل به شهادت را برگزیدند.

حمله دشمن و شهادت قسام

نیروهای دولتی در پی حمله‌ای دیگر برآمدند و با انواع زره‌پوش، تانک و هواپیما، هجوم گسترده و سنگینی را علیه نیروهای قسام صورت دادند. انقلابیون پس از اطلاع از این هجوم سنگین، به قسام پیشنهاد کردند با محافظان خود، از صحنه جنگ بیرون رود ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و آماده جنگ و شهادت شد. در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۵، درگیری سختی بین انقلابیون و نیروهای دولتی به وقوع پیوست و طی آن تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و گروهی از انقلابیون به شهادت رسیدند و جمع دیگری زخمی شدند.

در عصر همین روز درگیری دیگری شروع شد و طی آن شیخ عزالدین قسام شهید و عده دیگری از هم‌زمانش مجروح گردیدند. پس از شهادت قسام، دیگر هم‌زمان وی با شکستن حلقه محاصره، به شمال فلسطین گریختند و جنازه فرمانده شهید خود را به شهر حيفا بردند.

۱. «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض و نقد» (۳ جلد) - رساله‌ی دکترای او
۲. «مسألة التقريب بين أهل السنة و الشيعة» (۲ جلد، بیش از ۸۰۰ صفحه) - مشهورترین اثر او در نفی جریان تقریب ۳. «أصول الدين عند الأئمة الأربعة واحدة» - کتابی که به زعم او، اصول دین را نزد مذاهب چهارگانه یکی معرفی می‌کند، اما در واقع زمین‌ساز نفی مذاهب اربعه و تفرقه‌افکنی بیشتر است.
۴. «الغزو الباطني للأئمة الإسلامية» - درباره‌ی جریان‌های باطنی درون‌دینی
۵. سایر آثار: «مقدمات في الاعتقاد»، «مقدمة في الملل و النحل»، «نواقض توحيد الأسماء و الصفات»، «البدعة المالية عند الشيعة الإمامية» و «العالم الإسلامي و الغرب»

تفرقه‌افکنی در لباس تقریب‌ستیزی

القفرای در کتاب «مسألة التقريب» خود، به‌صراحت با هرگونه تلاش برای نزدیک‌سازی مذاهب اسلامی مخالفت می‌ورزد و این تلاش‌ها را نادرست و گمراه‌کننده می‌داند او ادعای عدم وجود اختلاف بنیادین میان مذاهب را «خطری بزرگ» می‌داند که «بابی است برای بازداشتن از دین خدا».

نکته‌ی حائز اهمیت آنکه القفرای، با وجود ظاهر علمی آثارش، از روش تحریف، تقطیع و اتهام‌زنی برای تخریب چهره‌ی سایر مذاهب بهره می‌برد. منتقدان، او را به تقطیع و تحریف عبارات متهم می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که جملات را از بافت اصلی‌شان خارج می‌سازد تا به هدف خود برسد. همچنین او در کتاب‌هایش از توهین و الفاظ رکیک علیه باورهای سایر مذاهب استفاده کرده است.

به‌گونه‌ای که برخی منابع، القفرای را «اندیشمند وهابی» معرفی کرده اند که بخش عمده‌ای از زندگی خود را صرف نقد سایر مذاهب اسلامی نموده است.

القفرای و مذاهب اربعه؛ ادعای وحدت در ظاهر، تفرقه در باطن

القفرای در عین حال که کتابی با عنوان «أصول الدين عند الأئمة الأربعة واحدة» (اصول دین نزد ائمه چهارگانه یکی است) تألیف کرده، در عمل با رویکرد تکفیری و اتهام‌زنی خود، عمیق‌ترین شکاف‌ها را در میان پیروان مذاهب اربعه ایجاد می‌کند این تناقض آشکار، نشان از سیاستی دوگانه دارد: در ظاهر، ادعای وحدت اصول دین در میان مذاهب چهارگانه، و در باطن، ایجاد تفرقه با نگاه افراطی و غیرتساهل‌آمیز.

برخی از محققان، القفرای را متهم می‌کنند که با تقطیع عبارات علمای مذاهب اربعه، اختلافات را بزرگ‌نمایی کرده و آن‌ها را به

گونه‌ای نمایش می‌دهد که گویی میان آن‌ها هیچ نقطه‌ی اشتراکی وجود ندارد. این روش، دقیقاً نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که در کتاب «أصول الدين عند الأئمة الأربعة واحدة» ادعا شده است. از سوی دیگر، نگاه افراطی القفرای به مذاهب فقهی اهل سنت، آن‌ها را در معرض اتهاماتی قرار می‌دهد که عملاً هیچ یک از مذاهب چهارگانه را از نقد تند او مصون نمی‌گذارد. او با رویکردی که برخی آن را «تکفیری گزینشی» توصیف کرده‌اند، مرزهای مذاهب اربعه را به چالش می‌کشد و عملاً وحدت فقهی اهل سنت را خدشه دار می‌سازد.

القفرای؛ تفرقه‌افکنی فراتر از مرزهای مذهبی

تأثیرات منفی اندیشه‌های القفرای، فراتر از مرزهای مذهبی خاصی است و کل امت اسلامی را در بر می‌گیرد:

- تضعیف جریان تقریب: القفرای با کتاب «مسألة التقريب»، یکی از موانع مکتوب بر سر راه وحدت اسلامی را پدید آورده است.
- دامن‌زدن به شکاف مذهبی: او با نگاه تکفیری خود، به جای تلاش برای رفع اختلافات، بر عمق آن‌ها می‌افزاید و زمینه‌ی سوءاستفاده‌ی دشمنان اسلام را فراهم می‌آورد.
- تخریب چهره‌ی علمای مذاهب: القفرای با روش غیرعلمی خود، نه تنها به نقد علمی نمی‌پردازد، بلکه با توهین و افتراء، چهره‌ی علمای سایر مذاهب را تخریب می‌کند و اعتماد عمومی به عالمان دین را خدشه‌دار می‌سازد.
- ناصر القفرای، با تکیه بر جایگاه دانشگاهی خود در عربستان سعودی، به یکی از چهره‌های شاخص جریان تکفیری افراطی تفرقه افکن در عصر حاضر تبدیل شده است. او با وجود ادعای وحدت در کتاب‌هایی چون «أصول الدين عند الأئمة الأربعة واحدة»، در عمل با روش غیرعلمی تحریف، تقطیع و اتهام‌زنی، به تخریب چهره‌ی سایر مذاهب اسلامی پرداخته و بر عمق اختلافات دامن می‌زند.
- آثار او، به‌ویژه کتاب «مسألة التقريب»، از جمله منابع مکتوب جریان ضدتقریب به شمار می‌رود و نقشی بسزا در تضعیف وحدت اسلامی و دامن‌زدن به شکاف مذهبی در جهان اسلام ایفا کرده است. القفرای نه تنها مخالف شیعیان، که با رویکرد افراطی خود، مذاهب اربعه‌ی اهل سنت را نیز درگیر اختلافات عمیقی کرده و عملاً خود پیکره‌ی اهل سنت را از درون نشانه گرفته است.



مُنَادِیَانِ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و هشت | مرداد ماه ۱۴۰۵

